

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۳ جون ۲۰۲۰

چشم انداز شورش گرسنگان و دلنگرانی سرکوبگران حاکم

این روزها توده های تحت ستم و به ویژه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان ایران در حالی که بار شرایط اقتصادی- اجتماعی هولناک ناشی از شیوع ویروس کرونا را بر دوش می کشند، شدیداً دل نگران عواقب این امر بر حیات و هستی خود می باشند. اما، در طرف مقابل، طبقه حاکم نیز البته از زاویه ای دیگر دل نگران تأثیر چشم انداز روندهای جاری در جامعه می باشد. طبقه سرمایه دار و رژیم حافظ منافعش که ضرب شست مردم ما در قیام دی ماه [جدی] ۹۶ و آبان [عقرب] ۹۸ را به عینه دیده و شاهد بودند، این روزها با مشاهده وضعیت عینی جامعه از چگونگی عکس العمل احتمالی مردم خشمگین و به جان آمده، بار دیگر نگران و دچار خوف و هراس شده اند. آن ها با آگاهی بر این امر که صرف سرکوب موجب به عقب راندن توده های جان به لب رسیده نیست، سرکوب و فریب را توأم در دستور کار خود قرار داده و در این کارزار برخی از آن ها سوار شدن بر موج نفرت عمومی را به عنوان وظیفه ای به عهده گرفته اند. با نگاه اجمالی به اوضاع کنونی جامعه می توان پایه های این برخورد را به طور عینی درک کرد و دلیل دلنگرانی های دژخیمان رژیم را فهمید.

واقعیت این است که جامعه تحت سلطه ما که تا پیش از همه گیری کرونا، در اثر پیشبرد سیاست های امپریالیست ها و طبقه سرمایه دار وابسته حاکم توسط رژیم جمهوری اسلامی به یک جامعه بحران زده و ویران از نظر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی تبدیل شده بود، با شیوع کرونا شاهد سقوط هر چه وحشتناک تر سطح زندگی طبقه کارگر و خلق های تحت ستم گردیده است. بحران و رکود شدید اقتصادی که دزدی ها و غارتگری های سیستماتیک دولتمردان حاکم نیز بر آن افزون گردیده، رمق توده های ستمدیده را کشیده و سایه سیاه احساس عدم امنیت و رشد بی سابقه گرانی و بیکاری و تورم و گرسنگی و فقر را هر چه بیشتر بر زندگی محقر توده های تحت ستم، حاکم گردانده است.

طفیلی بودن ساختارهای نظام موجود و وابستگی تا مغز استخوان آن به سیاست ها و منافع سرمایه داران جهانی و در همان حال سیاست های ضد خلقی جمهوری اسلامی هنگام شیوع ویروس کرونا، حقایقی می باشند که باعث شده اند عواقب مرگبار ناشی از همه گیری کرونا، در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر تأثیرات به مراتب ویرانگر تری بر زندگی و معاش میلیونها تن از "هیچ بودگان" این جامعه بگذارد.

تا اواخر اردیبهشت ماه ، آمار رسمی منتشره از سوی جمهوری اسلامی که بدون شک تمام واقعیت را بیان نمی کنند ، از حدود ۷۰۰۰ کشته در اثر ویروس کرونا خبر می دهند. اما در گزارشات مختلف از جمله در گزارش مقامات سازمان بهداشت جهانی عنوان گشته که رقم اعلام شده توسط جمهوری اسلامی تنها یک پنجم تعداد قربانیان واقعی ست. با توجه به سیاست پنهان کاری مقامات جمهوری اسلامی در این زمینه و همچنین با توجه به گزارشات مستقل مردمی در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی به نظر می رسد که رقم اعلام شده توسط رژیم تنها یک فریبکاری مضموم برای پوشاندن نقش جمهوری اسلامی در گسترش دامنه ضربات ناشی از ویروس کرونا بر زندگی مردم ماست.

اما صرف نظر از تعداد قربانیان کرونا در ایران که اکثراً از طبقات محروم و زحمتکش می باشند، تبعات اقتصادی این بیماری در چارچوب نظام حاکم، چنگال خود را هر چه بیشتر بر گلو اکثریت آحاد تحت ستم جامعه - که کارگران و سایر زحمتکشان استخوان بندی آن را تشکیل می دهند - فشار داده است. یک مثال ساده در این زمینه تصویر اوضاع وخیم کل جامعه را به خواننده می نمایاند. سال گذشته بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد که افزایش شکاف طبقاتی در ایران در ۱۶ سال گذشته اکنون "رکورد" شکسته <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/05/12/206766> و به "اوج خود" رسیده است. [\(https://anfarsian.com/\)](https://anfarsian.com/) بنا به گزارشات منتشره در اردیبهشت ماه [ثور] ، خط فقر برای "یک خانواده ۴ نفره" نزدیک به " ۹ میلیون تومان" تخمین زده شده است.

<https://rooziato.com/1399248884>

این در حالی ست که درآمد ماهیانه ۵۵ درصد خانوارهای ایرانی کمتر از ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است. همچنین در شرایطی که بیماری کرونا حیات و معاش میلیون ها تن را مستقیم و غیر مستقیم به چالش کشیده است، با مقایسه حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران توسط "شورای عالی کار" یعنی یک میلیون و هشتصد و سی و پنج هزار تومان در ماه در سال جاری با خط فقر می توان فهمید که چه شرایط مرگباری زندگی و حیات میلیون ها تن از مردم ایران و بویژه کارگران و زحمتکشان را احاطه کرده است. اتفاقی نیست که تحت سلطه نظام استثمارگرانه کنونی و مناسبات ارتجاعی و ضد خلقی آن ، ۹۰ درصد کارگران و ۷۰ درصد کل جامعه در زیر خط فقر و فقر مطلق و یا خط گرسنگی به سر می برند.

این در حالی ست که تحت سیطره همین نظام غارتگرانه، مثنی سرمایه دار زالو صفت و آقازاده ها و آخوندهای مفت خور سرکوبگر ، صاحبان بنیادهای انحصاری و غارتگر دولتی، سلاطین خونخوار ارز و طلا و اتومبیل و شکر و ... با انباشتن ثروت های نجومی از مزایای خوردن "استیک" و "بستنی" و "پیتزای" با "روکش طلا" - به دلیل "آرامشی" که خوردن "طلا" با عیار بسیار کم" برای سلامتی به بار می آورد - در "برج میلاد" های کشور برخوردارند. این روکش های "طلائی" با قیمت هر ورق "۱۳۷ دلار" از کشور "سویس" وارد می شوند و به شکل ورقه یا پودر، سرو شده و پرداخت پول های کلان برای این کالاها، که معادل چند ماه حقوق یک کارگر یا درآمد یک فرد زحمتکش برای چنین وعده های غذایی می باشد، برای مصرف کنندگان شکمبار، کوچکترین دغدغه ای به بار نمی آورد.

در شرایط برقراری نظم ناعادلانه ای که به قدرت چماق و سرکوب و شکنجه و زندان از آن محافظت می شود، مشاهده صحنه های غم انگیز و شکنجه آوری نظیر اشک کارگرانی که توان تامین نان خالی برای خانواده هایشان را ندارند، ازدحام نیازمندان بر سطل های زباله برای یافتن خوراکی و تکه ای نان، آرزوی کودک محرومی که نام پسته و یا ماهی را نشنیده و نمی داند چه مزه ای دارند، گسترش جمعیت قیر خوابان، صف کودکان کار و ... ده ها تجلی نفرت انگیز دیگر نظام سرمایه داری حاکم که سیمای بحرانی جامعه تحت سلطه ما را تشکیل داده اند، تعجبی نخواهد داشت.

اکنون نیاز به دقت خیلی زیادی در نگرش به بیماری جامعه بحران زده و سراسر انباشته از تضاد نیست تا معلوم شود بار دیگر بانگ غلیان یک جوش عظیم و انباشته، از اعماق زمین زیر پای حاکمین به گوش می رسد. شدت فشار وارد بر زندگی محرومان به حدی ست که به رغم وجود کرونا، کارگران معادن و بازنشستگان دست از جان شسته و با خانواده های دردمند و خشمگین خویش به خیابان می آیند و خواهان حقوق طبیعی خود از این رژیم می گردند و آرزوی خود برای سرنگونی آن را با تمام وجود فریاد می کشند. این حرکات تنها نوک یک کوه یخ در حال پدیدار شدن در اقیانوس را نشان می دهند؛ چرا که تمام شرایطی که موجب قیام های شکوهمند و قهر آمیز دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شدند، بار دیگر در غیاب ارائه هر گونه راه حلی (به جز سرکوب وحشیانه) از سوی حاکمیت، با یک عقب نشینی موقتی، اکنون به سرعت در حال انباشته شدن و رسیدن به نقطه جوش هستند.

با فهم شرایط توصیف شده در فوق است که مهره های سوخته رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی یکی یکی به صحنه آمده و از شکاف طبقاتی، فساد ساختاری، دزدی ها و ... و عواقب احتمالی تداوم وضعیت کنونی برای نظام و رژیم متبوعشان زبان به شکوه می گشایند. سخنرانی های احمدی نژاد جنایتکار، یکی از منفورترین مهره های جمهوری اسلامی در تریبون های عمومی و "انتقاد" های او به سران حکومت و یا به صحنه آمدن خاتمی فریبکار و اظهار نگرانی های او در مورد احتمال درگیر شدن جامعه در یک "سیکل خشونت" و ضرورت "اصلاح"، پیش از هر چیز نمایانگر ارزیابی سرمایه داران وابسته حاکم و رژیم آن ها از وضع فعلی ست.

یکی از خدمتگزاران سینه چاک سرمایه داران حاکم، خاتمی فریبکار می باشد که امروز به صحنه آمده و از دلشوره های درونی اش برای حفظ همین نظم ضد خلقی صحبت می کند. خاتمی که با سوابق جنایاتش در تمام طول سال های حکمرانی جمهوری اسلامی چه در مقام سانسورچی کبیر (وزیر فرهنگ و مسئول ستاد تبلیغاتی جنگ در سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱) و چه در مقام ریاست جمهور حکومت (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) یکی از مسئولین آفرینش وضع ستمگرانه کنونی ست، اکنون به رغم "ممنوع التصوير بودن" به صحنه آمده و با رجوع به وضع وحشتناک کنونی ضمن اعتراف به "ناراضی و ناامید" بودن مردم اظهار نگرانی کرده که "در ادامه این ناامیدی خدائی نکرده به تدریج ممکن است حرکات خشونت آمیز از سوی ناراضیان مشاهده شود و در مقابل هم احتمالا ممکن است حکومت با خشونت پاسخ این اقدامات را بدهد و ما در یک سیکل خشونتی قرار بگیریم که بازگشت آن به شدیدتر شدن این سیکل خشونت آمیز در جامعه می انجامد.

او در ادامه ضمن دلسوزی برای "کوچک شدن و ضعیف شدن طبقه متوسط"، از افزایش "شکاف طبقاتی" دم زده و "ضعیف و کوچک" شدن طبقه متوسط و "پرتاب" آن به سوی "طبقات ضعیف تر و محروم تر" را یک "مصیبت" برای رژیم خوانده است. خاتمی که به خاطر ذات دروغگویش در زمان زمامداری از سوی جوانان نام "فریبا" را گرفته است در خاتمه صحبت ها می گوید "طرح آشتی ملی" را راه حل شرایط کنونی جلوه داده و برای رژیم سراسر گندیده و سرکوبگر حاکم وجهه و زمان بخرد.

واقعیت این است که امثال خاتمی ها با مشاهده شرایط کنونی، بحران نظام و ناراضایتی و خشم متراکم توده ها که با تأثیرات ویروس کرونا وارد یک فاز فزاینده جدید هم شده است به خوبی می دانند که جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی به کوچکترین مطالبات برحق و طبیعی توده ها نیست. اما سخنان او از جنبه دیگر بیانگر این واقع بینی هم هست که همان طور که در چهار دهه اخیر ثابت شده، توده های ناراضی و بی اعتماد و ناامید از نظام حاکم را نمی توان با وعده در حرف و سرکوب در عمل، قانع کرد و جلوی فوران خشم آن ها را برای مدت طولانی ای گرفت. این جاست که تنها راه پیشروی این توده عظیم برای ابراز عقیده و فریاد خواست های خویش، برای رها شدن از زنجیر

یوغ، بردگی و سرکوب حکومت اعمال قهر و خشونت در برابر خشونت سازمان یافته حاکمیت خواهد بود. خاتمی البته با فریبکاری تمام می کوشد مسئولیت ایجاد این سیکل "خشونت" را به گردن توده های "ناراضی و ناامید" بیاندازد. اما به رغم این تلاش فریبکارانه حقیقت این است که این جمهوری اسلامی ست که از اولین روز سر کار آمدن با وحشیانه ترین و خشونت بار ترین شیوه ها به تعرض و در هم کوبیدن انقلاب و دستاوردهای مردم پرداخت و با اعمال خشونتی سیستماتیک و بی وقفه با کشتار خلق های تحت ستم، با نسل کشی مخالفین در دهه ۶۰ و اوج آن قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، با به خاک و خون کشیدن جنبش دانشجویی - مردمی در سال های صدارت خود این آخوند فریبکار، با دستگیری و شکنجه و ترور و شلاق زدن کارگران خواهان حقوق های معوقه خود و با در هم کوبیدن هر گونه تشکل مستقل صنفی و سیاسی و با هزار جنایت دیگر ... خشونت عربان و ضدانقلابی طبقه حاکم علیه طبقات محروم را در سراسر جامعه جاری و به کلید حفظ شیشه عمر خود بدل نمود و آن را نهادینه کرد. تمام اسناد و شواهد عینی موجود نشان می دهند که اعمال قهر آمیز و شجاعانه توده های به پا خاسته در جریان جنبش دانشجویی - مردمی سال ۱۳۷۸، در جنبش سال ۱۳۸۸ و قیام های سال ۹۶ و ۹۸ صرفاً واکنش طبیعی و حق مشروع میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان و فعالین سیاسی و مدنی و ملی و مذهبی علیه زور و خشونت ضد انقلابی دیکتاتوری حاکم، علیه مظالم سرمایه داران سودجو و وابسته به امپریالیسم بوده که نفس آن ها را بریده است. امروز اما درک این حقیقت است که دلنگرانی امثال خاتمی ها را برنگیخته و هراس آن ها از شورش گرسنگان را به نمایش می گذارد.

باید گفت که خاتمی به هیچ وجه در احساس واقعیت هولناکی که دیر یا زود در انتظار رژیمش می باشد تنها نیست. اکنون روزی نیست که یکی از مهرهای طبقه حاکم و یا اندیشمندان نظام راجع به احتمال انفجار قهر آمیز اعتراضات مردم به جان آمده به دیگران هشدار ندهد.

در همین رابطه سعید زیبا کلام یکی از مهره های نظام که از او به عنوان "فعال اصولگرا" نام برده می شود نیز اخیراً در نامه سرگشاده ای به رئیسی قاتل، عنوان کرده که سرکوب تا ابد راهگشای معضل حکومت نخواهد بود و به قول او : "این رویه سرکوب دانشجوی، تدریجاً زمینه ساز مبارزات مخفی و در مرحله ی بعد مبارزات مسلحانه میشود." درک چنین واقعیت انکار ناپذیری که خود را در جریان قیام های سال ۹۶ و ۹۸ توده های به جان آمده با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "مرگ بر دیکتاتور" و یورش شجاعانه آن ها به مراکز سرکوب و غارت طبقه حاکم و به آتش کشیدن شان و تلاش برای بدست آوردن سلاح نشان داد، باعث شده تا ابراهیم فیاض از "فعالین اصولگرا"ی دیگر رژیم نیز با مشاهده قیام آبان ماه ۹۸، به وضع بحرانی کشور اشاره و مطرح کند: "امروز نگران تشکیل گروه های کوچک ترور در کشور هستیم. احساس می کنم که به سال ۵۱ برگشتیم. زمانی که گروه های نظیر فدائیان و پیکار و... تشکیل شدند..."

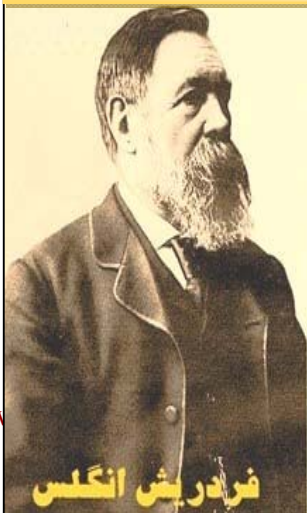
روندهای عینی جاری در جامعه تحت سلطه ما و شدت تضادهای طبقاتی که عواقب اقتصادی اجتماعی ناشی از شیوع ویروس کرونا به طور چشمگیری بر ابعاد آن افزوده است، خبر از وقوع انفجارهای جدید اجتماعی ای در ایران می دهند که طبقه کارگر و زحمتکشان به دلیل موقعیت و شرایط وخیم زندگی شان ستون فقرات آن خواهند بود. جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت وابسته به امپریالیسم و سرکوبگر خود نه می خواهد و نه می تواند کمترین پاسخی به مطالبات متراکم توده ها برای نان، کار، مسکن و آزادی و استقلال واقعی کشور بدهد. در نتیجه مانند چهل و یکسال اخیر در پرتو حمایت اربابان امپریالیستش، تنها با سلاح سرکوب و کشتار و زندان و شکنجه با جنبش حق خواهانه توده ها برخورد خواهد کرد. اما واقعیات عینی و تجارب تاریخی مردم ما بهتر از هر معلمی به آن ها آموخته است که گام اول

نیل به جامعه ای که رهائی از وضع برده وار کنونی را میسر سازد و متضمن تحقق شعار نان مسکن آزادی باشد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آنهم از راه مبارزه مسلحانه است.

جوانان مبارز و آگاه در آبان ۹۸ در ۱۶۰ شهر ایران با تمام توان خویش در کوچه ها و خیابان ها و میادین نبرد برای کسب سلاح و در هم شکستن نظام موجود، این راه را تمرین کردند. صدای غرش جنیش آنان اکنون به گوش تمامی مرتجعین و حافظین نظام حاکم نظیر خاتمی نیز رسیده است و دلنگرانی او را باعث شده است. شورش گرسنگان جویای سلاح به رغم سرکوب وحشیانه در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ دوباره در راه است و دیر یا زود به رغم فریبکاری های امثال خاتمی از راه خواهد رسید.

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۵۰ ، اردیبهشت ماه ۱۳۹۹

گرامی باد خاطره سترگ چریک فدائی خلق، رفیق مرضیه احمدی اسکونی در سالگرد شهادتش در ۶ اردیبهشت سال ۱۳۵۳



انقلابات از روی قصد و بمیل انجام نمی گیرند، بلکه در هر زمان و در همه جا نتیجه ضروری اوضاعی است که به هیچوجه با اراده و رهبری یک حزب و یا کلیه طبقات اجتماعی ارتباطی ندارد. کمونیست ها می بینند که تکامل پرولتاریا تقریباً در تمام ممالک متعده به کمک زور در زیر فشار گذاشته شده است و باین ترتیب برای پیدایش انقلاب از طرف خود مخالفین آنها هم با تمام قوا ابراز فعالیت می شود. اگر به این طریق پرولتاریا که تحت فشار گذاشته شده، بسوی یک انقلاب سوق داده شود، ما کمونیست ها همانطور که امروز با زبان از منافع آن طبقه دفاع می کنیم، آنگاه با عمل دفاع خواهیم کرد. **اصول کمونیسم**

فرادیش انگلس